



Analyzing the Contexts of the Formation of the Social Exegesis of the Qur'an with a Synchrony Approach

Received: 2023/03/25

Accepted: 2023/07/29

10.22034/JKSL.2023.402206.1216

20.1001.1.27833356.1402.4.2.5



* Ruholah Nazimi

** Majid Chehri

Type of Article: Researching

Abstract

Social exegesis is one of the emerging trends in the Quranic Commentary and one of the influential events in contemporary hermeneutics. It is clear that this new phenomenon, like any other intellectual and social phenomenon, did not appear suddenly and in a vacuum. This research seeks to answer the question that which factors were effective in forming the Social exegesis of the Quran. The innovation of the current research is to take the Synchrony Approach as one of the new and efficient research methods to find the answer to this question. The Synchrony Approach observes a historical phenomenon in a certain period of history in order to show, among other things, the contexts of its formation. The historical period related to this research is the interval of several decades between the end of the 19th century and the beginning of the 20th century. The pondering of the developments of this period shows that social exegesis was formed due to the factors such as the inefficiency of traditional exegesis in responding to new requirements, the multifaceted attack on Islam and religious values, the influence of modern Muslim thinkers from the religious reform movement in Europe, the role of the Quran in the contemporary religious reform movement in the Islamic world, and the social personality of contemporary exegetes. This movement can be seen in the commentaries written after that era and even up to the present time.

Keywords: Quranic Contemporary, Social Exegesis, Historical View, Contemporary Approach, Muslim Reformers.

*. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Quranic Sciences and Education (Zahedan University of Quranic Sciences) (The Corresponding Author)

rmazemi@mail.quran.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education (Kermanshah University of Quranic Sciences)

chehri@quran.ac.ir



صفحه: ۱۲۸ تا ۱۵۱



ظروف نشأة التفسير الاجتماعي للقرآن دراسة تزامنية

تاريخ الاستلام: ٣ رمضان ١٤٤٤
تاريخ القبول: ٢٩ محرم ١٤٤٥

10.22034/JKSL.2023.402206.1216
20.1001.1.27833356.1402.4.2.5



روح الله ناظمي*
مجيد تشهري**

مقال بحثي

خلاصة

يعدّ التفسير الاجتماعي إحدى المناهج التفسيرية الحديثة وإحدى المؤثرات في علم التفسير المعاصر. من الواضح أن هذه الظاهرة الجديدة مثل آية ظاهرة فكرية واجتماعية أخرى، لم تأت من فراغ. لذلك يطمح البحث هذا إلى معرفة ظروف نشأة التفسير الاجتماعي وملابسات تكوينه. إن جِدّة البحث تتجسّد في توظيفه الرؤية التزامنية باعتبارها إحدى المصادر الحديثة المؤثّرة التي تتبناها الدراسات والأبحاث لما يروم البحث الحاضر والرؤية التزامنية ترصد ظاهرة تاريخية ما في فترة زمنية معيّنة لتحديد عوامل نشأتها. إن الفترة التاريخية لهذا البحث تستوعب عدّة عقود بين نهاية القرن التاسع عشر وبداية القرن العشرين للميلاد. هذا وبيّن التوقف عند تطورات هذه الفترة أن التفسير الاجتماعي هو حصيلة ظروف متعددة كعدم كفاءة التفسير التقليدي في الاستجابة للمتطلبات الجديدة وهجمات متعددة الأبعاد على الإسلام والقيم الدينية، وتأثر المفكرين المسلمين بحركة الإصلاح الديني في أوروبا، ودور القرآن في حركة الإصلاح الديني المعاصر في عالم الإسلام وشخصية المفسرين المعاصرين الاجتماعيين ولم يزل هذا يتواجد في التفاسير.

الكلمات المفتاحية: التفسير المعاصر، التفسير الاجتماعي، الرؤية التاريخية، الرؤية التزامنية، المصلحون المسلمون.



سال چهارم
شماره دوم
پیاپی دوازدهم
تابستان ١٤٥٢

* 1. أستاذ مساعد، قسم علوم القرآن والحديث؛ جامعة علوم القرآن الكريم، كلية علوم القرآن، زاهدان-إيران (الكاتب الرئيسية)

mazemi@mail.quran.ac.ir

** 2. أستاذ مساعد، قسم علوم القرآن والحديث؛ جامعة علوم القرآن الكريم، كلية علوم القرآن، كرمانشاه-إيران

chehri@quran.ac.ir



تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر اجتماعی
قرآن با رویکرد هم‌زمانی



روح اله ناظمی*
مجید چهری**

10.22034/JKSL.2023.402206.1216
20.1001.1.27833356.1402.4.2.5
مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

چکیده

تفسیر اجتماعی از گرایش‌های نوپدید تفسیری و از رخدادهای تأثیرگذار در تفسیرنگاری معاصر است. روشن است که این پدیده جدید، به‌سان هر پدیده فکری و اجتماعی دیگر، ناگهانی و در خلأ پدید نیامده است. این پژوهش در پی پاسخ این پرسش است که تفسیر اجتماعی در بستر کدام عوامل شکل گرفته است. نوآوری پژوهش حاضر، در پیش گرفتن رویکرد هم‌زمانی، به‌عنوان یکی از شیوه‌های نوین و کارآمد پژوهشی، برای یافتن پاسخ این پرسش است. رویکرد هم‌زمانی یک پدیده تاریخی را در برهه خاصی از تاریخ رصد می‌کند تا از جمله، زمینه‌های شکل‌گیری آن را برنماید. برهه تاریخی مرتبط با این پژوهش، فاصله چنددهه‌ای میان اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی است. درنگ در تحولات این برهه نشان می‌دهد که تفسیر اجتماعی بر بستری چون ناکارآمدی تفسیرنگاری سنتی در پاسخ‌گویی به مقتضیات جدید، هجوم چندجانبه به اسلام و ارزش‌های دینی، تأثیرپذیری نواندیشان مسلمان از جنبش اصلاح دینی در اروپا، نقش‌آفرینی قرآن در نهضت اصلاح دینی معاصر در جهان اسلام و شخصیت اجتماعی مفسران معاصر شکل گرفته و پس از آن و حتی تا زمان حاضر نیز در تفاسیر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: تفسیرنگاری معاصر، تفسیر اجتماعی، نگاه تاریخی، رویکرد هم‌زمانی،

مصلحان مسلمان.



*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی زاهدان) (نویسنده مسئول)

nazemi@mail.quran.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه)
chehri@quran.ac.ir



۱. بیان مسئله

تفسیر اجتماعی رخدادی نوپدید در تفسیرنگاری معاصر قرآن است که ارائه راهکارهایی برای حل معضلات فکری جامعه مسلمان را با مراجعه به قرآن کریم دنبال می‌کند (نک: ادامه مقاله). مهم آن است که تفسیر اجتماعی در هندسه تاریخ تفسیر معاصر، برخلاف برخی گرایش‌ها و رهیافت‌های دیگر، به یک جریان تبدیل شده و هم‌اکنون نیز در فرایند فهم معاصر از قرآن حضوری درخور توجه دارد. قید «نوپدید» در جمله نخست نشان می‌دهد که چنین نگاهی به تفسیر و انتظار کارکرد اجتماعی از قرآن، تا پیش از دوره معاصر سابقه چندانی نداشته و تنها در سده اخیر، در فضای اندیشه‌ای مفسران و برخی نواندیشان خودنمایی کرده است. از سوی دیگر، رویکرد یا مطالعه هم‌زمانی روشی در مطالعه پدیده‌های تاریخی است که یک پدیده را، فارغ از زمان پیش و پس از آن، در برهه و برشی خاص از تاریخ مطالعه می‌کند و هدفش شناخت ویژگی‌های آن پدیده در همان برهه خاص است. بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر چنین است: تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر اجتماعی در دوره معاصر با استفاده از رویکرد هم‌زمانی چه دستاوردهای پژوهشی به دنبال می‌آورد؟ می‌توان این پرسش را به دو پرسش فرعی دیگر درباره تفسیر اجتماعی تحویل کرد: ۱. این گرایش جدید دقیقاً از چه زمانی در فرایند تفسیرنگاری معاصر پدید آمده است؟ ۲. زمینه‌های پیدایش گرایش اجتماعی چه بوده است؟

رویکرد هم‌زمانی ابزاری کارآمد برای یافتن پاسخ این دو پرسش است و پژوهش حاضر نیز همین را دنبال می‌کند. نگاه تاریخی به تفسیر اجتماعی با رویکرد هم‌زمانی نشان می‌دهد، اولاً این گرایش با تقریبی نسبتاً دقیق، از چه زمانی و از سوی کدام مفسر یا مفسران در فرایند تفسیرگویی و تفسیرنویسی وارد شده است و آنگاه زمینه‌های اجتماعی و تاریخی پیدایی این ویژگی در فرایند تفسیرنگاری معاصر را نیز می‌شناساند.

چندی است تفسیر پژوهان به تفسیر اجتماعی به شکل‌های گوناگون و در قالب مقاله، پایان‌نامه و حتی کتاب و همایش‌های توجه کرده‌اند، اما گویا پرداخت مستقل به زمینه‌های شکل‌گیری این جریان اثرگذار تفسیری، آن هم با نگاهی تاریخی و از دریچه مطالعه هم‌زمانی، تاکنون مورد نظر نبوده است؛ در حالی که شایسته است هر جریان فکری اثرگذار، به ویژه در ساحت اندیشه دینی، با دقت کاویده و بالأخص زمینه‌های شکل‌دهنده آن شناسایی شود. این شناسایی علاوه بر کمک به آسیب‌شناسی آن جریان، به تحول‌آفرینی و به‌روز و کارآمد بودنش نیز یاری می‌رساند.



همچنین، در پیش گرفتن نگاه هم‌زمانی در بررسی این گرایش تفسیری بی‌سابقه به نظر می‌رسد؛ بگذریم که برقراری ارتباط میان یک مقوله تفسیری و یک روش مطالعاتی تاریخی می‌تواند این‌گونه مطالعات بین‌رشته‌ای را تقویت کند و روزه‌های تازه‌ای در پژوهش‌های تفسیری بگشاید.

۲. تفسیر اجتماعی

از نگاه تحلیل‌گران تفسیرنگاری معاصر، تفسیر اجتماعی یکی از گرایش‌های نوپدید تفسیری است^۱ که در سده اخیر و در پی تحولات شگرف اجتماعی و فرهنگی رخ داده در جوامع مسلمان، در ذهن و اندیشه بیشتر مفسران معاصر جای گرفت و سپس در تفاسیر آنان نمایان شد. این گرایش موجب شد تا مفسران معاصر از سویی، در مان مشکلات جامعه مسلمان مانند عقب‌ماندگی‌های علمی و اقتصادی و فرهنگی، سیطره حکومت‌های استبدادی، بی‌توجهی به آزادی‌های فردی و اجتماعی و نادیده گرفتن حقوق زنان را از قرآن بجویند و از سوی دیگر، با بازخوانی و ارائه دوباره پیام‌های قرآن، به شبهات وارد بر ساحت دین پاسخ دهند و با زبانی مناسب روز، پیام جاودانه قرآن را به جان مخاطبان امروزی بنشانند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۲، ۴۲۲). بر این اساس و به سبب اندیشه‌های اصلاح‌گرانه و دغدغه‌های اجتماعی مفسران و نیز تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جوامع مسلمان، در بیشتر تفاسیر معاصر تحولات قابل توجه شکلی و محتوایی پدید آمده است (نک: حسینی میرصفی، ۱۳۹۲، ۱۷۳-۲۱۱ و ۳۵۲-۳۹۳؛ ناظمی، ۱۳۸۶، ۱۰۵-۱۵۹). اهتمام فراوان مفسران معاصر برای استنباط و ارائه دیدگاه قرآن درباره نظام حکومتی اسلام، جایگاه و گستره آزادی‌های فردی و اجتماعی، نظام حقوق زن، نظام اقتصادی اسلام، چگونگی تعامل و همزیستی با پیروان ادیان دیگر و راه‌های برون‌رفت از بحران‌های اخلاقی جامعه، برخی از مهم‌ترین مباحث جدید است که در تفاسیر اخیر طرح و بررسی گردیده و مفسران کوشیده‌اند با بازگشت به قرآن و بازخوانی دوباره پیامش، بدان‌ها پاسخ دهند (از جمله نک: رشید رضا، ۱۹۴۷، ج ۳، ۳۹ و ۵، ۱۱۹؛ قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ۳۹۱ و ۵، ۳۱۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۴۷۲ و ۵۳۳؛ ج ۲، ۳۴۸؛ ج ۴، ۱۲۴؛ ج ۶، ۱۳۲؛ ج ۵، ۴۹۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ۴۱۶ و ج ۶، ۳۴۸).

۱. از نگاه دانش تفسیرپژوهی، باید میان دو مصطلح «روش» و «گرایش» فرق گذاشت و از خلط هر یک با دیگری دوری کرد. روش تفسیری عبارت است از شیوه و خط‌مشی مفسر برای دستیابی به معنای آیات قرآن که عامل اصلی تمایز در این شیوه، نوع نگرش مفسر به ابزارها و منابع تفسیر و چگونگی بهره‌گیری از آنهاست (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ۱۰۰)؛ اما گرایش تفسیری جهت‌گیری‌های خاصی است که بر اثر افکار، عقاید، تخصص علمی مفسران یا شرایط اجتماعی حاکم بر آنها، در تفاسیرشان نمودار می‌شود (بابایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۱۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۳). در اطلاق «گرایش» به تفسیر اجتماعی، این نکته مدنظر بوده است.

۳. رویکرد هم‌زمانی

رویکرد هم‌زمانی معمولاً در قیاس با مطالعه در زمانی مطرح می‌شود و این هر دو، روش‌هایی تاریخی و جدید برای مطالعه موضوعات علوم انسانی است.^۱ یک پدیده تاریخی را به دو صورت می‌توان مطالعه کرد و آنچه در اینجا محل توجه است، تفسیرنگاری اسلامی در دوره معاصر و مشخصاً «تفسیر اجتماعی» است. بر اساس نگاه در زمانی، به این پدیده در طول یک زمان مشخص توجه می‌کنیم و مثلاً در پی آنیم تا تحولات تفسیرنگاری قرآن را از اواسط سده نوزدهم میلادی تا هم‌اکنون شناسایی کنیم. تا پیش از معرفی این دو رویکرد مطالعاتی جدید، لازمه این کار شناسایی وضعیت دقیق گذشته و آینده تفسیرنگاری معاصر بود و شناخت تحولات این رخداد تنها با انجام چنین مقایسه‌ای به دست می‌آمد. بررسی هر پدیده تاریخی به چنین شیوه‌ای، مطالعه در زمانی است؛ بدین معنا که یک پدیده تاریخی را در طول یک زمان معین پایش کنیم و تغییرات آن را بشناسانیم (پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۲-۲۲۵). اما همواره لازم نیست که یک پدیده و از جمله تفسیرنگاری معاصر را به صورت در زمانی مطالعه کرد؛ بلکه می‌توان آن را در برهه و برشی مشخص از تاریخ در نظر گرفت یا زمان را ایستا فرض و پدیده موردنظر را دقیقاً در همان زمان مطالعه کرد. این شیوه را مطالعه هم‌زمانی می‌نامند. به سخن دیگر، مطالعه هم‌زمانی، فرآیند شکل‌گیری یک رخداد یا جریان را هم‌زمان با جریانات و بستری‌های هم‌دوره آن بررسی و تأثیر و تأثرات آن‌ها را بر همدیگر شناسایی می‌کند. در رویکرد هم‌زمانی به تفسیر اجتماعی، می‌توان خاستگاه شکل‌گیری آن را در پیوند با مؤلفه‌هایی چون وضعیت سیاسی و فرهنگی جهان اسلام، فعالیت‌های خاورشناسان و ویژگی‌های تفسیرنگاری سنتی مطالعه و بازخوانی کرد.

در پژوهش حاضر، ما با اندکی تسامح، زمان را در برشی از تاریخ، یعنی اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، ایستا در نظر می‌آوریم و پدیده «تفسیرنگاری معاصر قرآن» و نتایج آن به‌ویژه ظهور تفسیر اجتماعی را «هم‌زمان» با این برهه پایش می‌کنیم. دلیل انتخاب

۱. ظاهراً نخستین کسی که این دو شیوه را معرفی کرد و به کار گرفت، فردینان دوسوسور زبان‌شناس فرانسوی بود که از آن‌ها در مطالعات زبان‌شناسی استفاده کرد (نک: پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۲)؛ ازین رو، خاستگاه نخست و جایگاه اصلی رویکرد در زمانی و هم‌زمانی پژوهش‌های زبان‌شناسی و به‌ویژه مطالعه رابطه میان واحدهای زبانی هم‌حوزه است. توضیح آنکه «افزایش یا کاهش معنایی واحدهای هم‌حوزه در طول زمان، سبب تغییر ارزش واحدهای یک نظام معنایی می‌گردد که می‌تواند از منظر در زمانی مورد مطالعه قرار گیرد... از سوی دیگر، می‌توان رابطه میان واحدهای هم‌حوزه را در یک مقطع زمانی مورد بررسی قرار داد و به مطالعه‌ای هم‌زمانی در زمینه حوزه‌های معنایی پرداخت (نقدیسی، ۱۳۹۲ش، ۲۶).



این برهه تاریخی آن است که نخستین نمونه‌ها و نشانه‌های تحول در تفسیرنگاری و از جمله پیدایش گرایش‌های جدید تفسیری را می‌توان در دودهنه پایانی سده نوزدهم میلادی و مقالات سیدجمال‌الدین اسدآبادی در نشریه العروة الوثقی و آنگاه سال‌های نخست سده بیستم میلادی و درس‌گفتارهای شیخ محمد عبده ردیابی کرد. برای شناخت تفسیر اجتماعی با رویکرد هم‌زمانی، می‌توان با درنگ در برهه تاریخی یادشده، زمینه‌ها و رخداد‌های مهم تاریخی و فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان را پایید و مجموعه عوامل پدیدآورنده این گرایش جدید را شناخت. در ادامه می‌کوشیم جریانات و رخداد‌های هم‌عرض و هم‌زمان با تفسیر اجتماعی را مطالعه و بازکاوی و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌شان نسبت به همدیگر را بررسی کنیم؛ اما پیش از آن، نگاهی گذرا به شرایط تاریخی جوامع مسلمان، به‌عنوان بستر اصلی شکل‌گیری تحولات جدید، ضروری می‌نماید.

۴. درآمدی تاریخی

با فرارسیدن دوران جدید و رویارویی مسلمانان با جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن غربی، سؤالات فراوانی پیش‌روی آنان قرار گرفت و بیش از همه، دین و عقاید مذهبی‌شان دچار مشکل شد. دلیل اصلی پیدایش این پرسش‌ها و زیر سؤال رفتن عقاید دینی، انحطاط و نابسامانی گسترده حاکم بر زندگی مسلمانان و در مقابل، رفاه و پیشرفت ظاهری غربیان بود که تا آن زمان هنوز در نگاه عموم مسلمانان، انسان‌هایی کافر و دور از خدا شمرده می‌شدند. یکی از پژوهشگران در ترسیم جزئیات این مواجهه می‌نویسد:

[در این شرایط جدید،] دیگر جامعه مسلمان در دنیای حصارکشیده خود به سر نمی‌برد و ناچار به رویارویی با تمدن و دانش جدید بود؛ اما افسوس که فرصت‌های بسیاری سپری گشته و فاصله آن‌قدر زیاد شده بود که جامعه نه قدرت هضم کردن فرهنگ نوین مطرح‌شده را داشت و نه یارای آن را که در برابرش بایستد. سد مقاومت شکست و سیل بنیان‌کن تمدن بیگانه پایه‌های همه نهادهای اجتماعی را متزلزل ساخت. احساس ضعف و ناتوانی که با شکست‌های نظامی پدید آمده بود، به نهایت رسید و تنها احساس بی‌اعتمادی به خود و داشته‌های خود ماند و قشر عظیم روشنفکران غرب‌زده بی‌هویت (نفیسی، ۱۳۷۹ش، ۳۱-۳۲).

به تعبیر نویسنده‌ای دیگر، این مواجهه و عوامل تسریع‌کننده روند آن، همچون دینامیت، پایگاه



سکوت و جمود حاکم بر زندگی مسلمانان را منهدم کرد (شریف، ۱۹۸۲م، ۵۳). در این شرایط، اعتقادات دینی مسلمانان بیش از هر موضوع دیگری آسیب دید. گروهی از خاورشناسان با همراهی شماری از روشنفکران غرب‌زده این هجوم را راهبری کردند. آنان در حملات خود، نظام سیاسی و حکومتی، قوانین اقتصادی، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی، نظام حقوقی و جزایی و بسیاری دیگر از قواعد و ارزش‌های اسلامی را زیر سؤال بردند (به جز منابع پیشین نک: ابن‌عاشور، ۱۹۹۸م، ۱۶۹-۲۰۲). در مقابل، گروهی از مصلحان و اندیشمندان مسلمان، با درک درست اوضاع و شناخت اهداف پنهان دشمنان، بانگ تجدید حیات دینی را بلند کردند و کوشیدند با اقدامات اصلاحی خود، مسلمانان را از خوابی طولانی بیدار کنند. عاجل‌ترین عمل در برابر نفوذ و گسترش هرروزه ارزش‌های بیگانه در میان مسلمانان، آگاه کردن آنان به ارزش‌های دیرینه و از یادرفته و بازگرداندن ایشان به سرچشمه‌های اصیل دین اسلام و در رأس همه قرآن بود. شعار «بازگشت به قرآن» شعاری متعلق به همه مصلحان مسلمان شد. آنچه در این شرایط و در رابطه با قرآن برای مصلحان و عموم مسلمانان اهمیت داشت دو نکته بود: ۱. سازگار نشان دادن جهان‌بینی قرآن با یافته‌های علم جدید؛ ۲. استخراج و ارائه نظام مناسب سیاسی و اجتماعی بر مبنای اصول قرآنی که مسلمانان را قادر می‌کرد از سلطه حاکمیت غرب‌رایی یابند (ویلانت، ۱۳۸۳ش، ۳). پس از این درآمد کوتاه، مهم‌ترین زمینه‌های هم‌زمان با بروز تحول در تفسیرنگاری در دوران معاصر، از جمله پیدایش گرایش اجتماعی در تفاسیر را مرور می‌کنیم.

۵. زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر اجتماعی از نگاه هم‌زمانی

۵-۱. ناکارآمدی تفسیرنگاری سنتی در پاسخ‌گویی به مقتضیات جدید

می‌توان یکی از عوامل پیدایش تفسیر اجتماعی را ناکارآمدی روش‌های تفسیری گذشته در برآوردن نیازهای اجتماعی و فکری مسلمانان در «دوران جدید» دانست. آغاز این دوران جدید را اواخر سده نوزدهم میلادی دانسته‌اند (شریف، ۱۹۸۲م، ۵۲؛ شرقاوی، ۱۹۷۲م، ۸۵). مهم‌ترین شاخصه این دوران نیز مواجهه گسترده مسلمانان با فرهنگ و تمدن غربی بود. این مواجهه، ناگزیر، شرایط جدیدی را پدید آورد و این شرایط جدید نیز به سهم خود، تحولات شگرف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در زندگی مسلمانان موجب شد. بدیهی بود که با بروز تحولات جدید، نیازهای نوینی نیز مطرح می‌شد که منابع و روش‌های سنتی از برآوردن آن‌ها ناتوان بود.



از نگاه مصلحان و مفسران مسلمان، نخستین وظیفه مسلمانان در شرایط جدید، بازگشت به منابع اصیل دین به‌ویژه قرآن و کشف هدایت آن بود. بدیهی است که همگان توانایی این کار را نداشتند و در نتیجه، راه‌حل اصلی مراجعه به تفاسیر قرآن بود. از سوی دیگر، تفاسیر موجود عموماً این نیاز را برآورده نمی‌کرد و نمی‌توانست متناسب با نیازهای نوپدید، مخاطبان را اقناع کند. روح کلی حاکم بر تفاسیر تا پیش از دوران جدید، طرح تفصیلی مباحث ادبی (برای نمونه نکت اندلسی غرناطی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ۳۱-۷۷)، کلامی (فخر رازی، بی‌تا، ج ۲، ۱۲۷-۱۳۷ و ج ۱، ۱۲۷-۱۳۷) و فقهی (قرطبی، ۱۹۵۲م، ج ۵، ۱۰۵-۱۲۰ و ج ۶، ۴۷-۶۵) بوده است. این مباحث نوعاً به زبان تخصصی و ویژه دانش‌های سنتی نوشته شده و از حوصله عموم افراد خارج است و حتی متخصصان نیز به‌ندرت به آن مراجعه می‌کنند. مشکل دیگر بسیاری از تفاسیر، نقل گسترده و گاه افراطی نظرات تفسیری و توجه به قیل و قال‌های علمی بود. طبیعی است که تفاسیری این‌چنین نمی‌توانست در شرایط جدید، وظیفه هدایت‌گری قرآن را به‌خوبی انجام دهد. همچنین، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مصلحان، مقابله با اندیشه‌های خرافی و تقلیدآمیز بود که پس از چند قرن، به‌سختی در اندیشه و عقیده عامه مسلمانان نفوذ کرده بود. ایشان یکی از راه‌های مقابله با این آفت را شکستن قالب‌های فقهی و تفسیری کهن می‌دانستند. به گفته حمید عنایت:

مصلحان مسلمان پی برده بودند که پیش از رهنیدن افکار مسلمانان از قید تقلید و خرافات و راه بردن معارف اسلامی در جهت اصلاح حال ایشان، باید شیوه پیشینیان در تفسیر قرآن را کنار گذاشت و قرآن را به روشی مطابق با عقل و منطق امروزی، دوباره تفسیر کرد (عنایت، ۱۳۵۲ش، ۲۴).

یکی از این نواندیشان شیخ محمد عبده بود. او علاوه بر ساختارشکنی در بیان و نگارش تفسیر، در حوزه فقه نیز چنین کرد و با زیر پا گذاشتن قالب‌های کهن صدور فتوا، متناسب با نیازهای عصر، فتواهای جدیدی صادر نمود (شرقاوی، ۱۹۵۲م، ۱۰۲). فایده دیگر ساختارشکنی عبده، غلبه بر مقاومت متحجرانی بود که گاه در پناه تفسیر سطحی قرآن، نظام موجود اجتماعی و قالب‌های کهن فکری را توجیه می‌کردند. همچنین تفسیر روزآمد قرآن، به دشمنان اسلام و غرب‌زدگان ایمان‌باخته نشان می‌داد که قرآن از هر عیبی پاک است و پیشرفت‌های علمی زمان نه تنها به اعتبار احکام آن زیان نمی‌رساند، بلکه آن را تأیید می‌کند (عنایت، ۱۳۵۲ش، ۲۴). افزون بر این،

همه آنچه به‌عنوان شاخصه‌های تفسیر اجتماعی یاد شده، به گونه‌ای در جهت مقابله با نقایص تفسیرنگاری کهن است. مهم‌ترین این شاخصه‌ها را چنین برشمرده‌اند: تأکید بر هدایت‌گری قرآن به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی آن در مقایسه با دیگر ویژگی‌ها، جست‌وجو از مسائل اجتماعی و درگیری فکری و عملی با آن‌ها و دغدغه حلشان در پرتو قرآن، اهتمام به پیام‌های عام تربیتی و اجتماعی آیات، اجتماعی و عمومی کردن دانش تفسیر و تلاش برای اقناع مخاطبان امروزی، ساده‌نویسی تفسیر و پرهیز از علمی‌گویی و مباحث تخصصی (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲، ش، ج ۲، ۴۳۴؛ ناظمی، ۱۳۸۸، ش، سراسر مقاله).

۲-۵. هجوم چندجانبه به اسلام و ارزش‌های دینی

در دوره معاصر، طرح گسترده اندیشه‌های ضددینی در جوامع اسلامی عمدتاً از دو ناحیه صورت گرفت: فعالیت‌های گسترده خاورشناسان و اقدامات روشنفکران غرب‌زده. البته این هجمه بیشتر به شکل غیرمستقیم بر تحولات تفسیرنگاری معاصر تأثیر گذاشته است. در ادامه و ضمن معرفی این دو عامل، شیوه اثرگذاری آن‌ها بر روند تفسیرنگاری معاصر و از جمله پیدایش گرایش اجتماعی را تحلیل می‌کنیم.

فعالیت‌های گسترده خاورشناسان: درباره عوامل پیدایش جریان شرق‌شناسی و میزان تأثیرگذاری آن در تحولات فرهنگی و اجتماعی در جوامع معاصر مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد (از جمله نک: نفیسی، ۱۳۹۸، ش، ۵۱-۶۴)؛ اما آنچه با بحث کنونی مرتبط است، توجه به عواملی است که به‌ویژه در نیمه نخست سده بیستم میلادی، موجب مقبولیت نسبی فعالیت‌های خاورشناسان در جوامع مسلمان شد. به گفته برخی پژوهشگران:

مستشرقان با بهره‌گیری کامل از روش‌های نقد علمی و مباحث جدید علوم انسانی و با بزرگ جلوه دادن کاستی‌های جامعه مسلمان، از جنبه‌های مختلف به اسلام حمله کردند و با طرح اشکالات جدی و اساسی، اندیشمندان اسلامی را به چالش کشیدند (همو، ۱۳۷۹، ش، ۵۸-۵۹).

یکی از ویژگی‌های بارز بازه زمانی اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، همان است که آن را «غرب‌زدگی» خوانده‌اند. از جمله تبعات غرب‌زدگی که با بحث کنونی مرتبط است خوش‌بینی به اقدامات و دستاوردهای علمی غربیان و بلکه ذوق‌زدگی در برابر آن بود که در نتیجه آن، خاورشناسان در مراکز علمی و دانشگاهی کشورهای مسلمان شخصیت‌هایی موجه شمرده



شدند. این واکنش به آنان امکان می‌داد تا آسان‌تر به ترویج دیدگاه‌های خود درباره اسلام بپردازند. باید پذیرفت که بخشی از عملکرد ایشان، خواه‌ناخواه خدمت به موارث اسلامی شمرده می‌شد و از جمله، تلاش‌های خاورشناسان در تحقیق و چاپ برخی از منابع قدیمی اسلامی و تدوین فرهنگ‌های لغت عربی بر اعتبار ظاهری آنان می‌افزود؛ هر چند اقدامات اغلب مغرضانه خاورشناسان، به‌ویژه در نیمه نخست سده بیستم، برخلاف خواسته ایشان و به شکل معکوس، تأثیرات مثبتی در فرایند فهم منابع اسلام به‌ویژه قرآن بر جای نهاد. درباره سازوکار این اثرگذاری معکوس گفته‌اند:

خاورشناسان با پیش گرفتن روش به ظاهر علمی، به تحلیل مسائلی درباره اسلام پرداختند. نگرش غیردینی و جلوه علمی که با آن به اسلام و مقدسات آن نظر افکنده شده، بحث‌های تازه‌ای را در مباحث اسلامی مطرح کرد. انتقادهای آنان ضعف پاره‌ای استدلال‌ها، بی‌پایگی برخی باورهای ناخالص و کاستی‌های مستمسک در جامعه مسلمانان را نمایاند و به‌رغم اهداف اصلی مستشرقان، باروری مباحث علوم قرآنی، تفسیر، حدیث و تاریخ اسلام را باعث شد (همان، ۶۰-۶۱).

بر این پایه و هم‌زمان با شدت یافتن فعالیت‌های ضداسلامی خاورشناسان که با حضور استعماری کشورهای غربی و در نتیجه، ذهنیت منفی عموم مسلمانان به‌غریبان همراه شد، مصلحان مسلمان به‌عنوان یک ضدحمله، نگاه مسلمانان را به موارث ارزشمند خود به‌ویژه قرآن برگرداندند و با بازخوانی و فهم روزآمد آن، تحولاتی سازنده را در تفسیرنگاری معاصر رقم زدند. خلاصه آنکه دیدگاه‌های خاورشناسان و مباحثی که با پاسخ‌گویی به آن‌ها در جامعه اسلامی و حوزه مباحث دینی و تفسیر راه باز کرد، چهره تازه‌ای به مباحث دینی بخشید و جنبشی شایسته توجه در میان اندیشمندان اسلامی به‌ویژه در زمینه تفسیرنگاری پدید آورد (همان، ۷۲؛ همچنین نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ۹۷ و ج ۱۳، ۳۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ۳۴۴ و ج ۲، ۳۰؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ۵۴۲ و ج ۷، ۳۲۸؛ رشیدرضا، بی‌تا، ج ۷، ۶۲۱؛ قطب، ۱۴۰۰ش، ج ۳، ۳۰۵).

اقدامات روشنفکران غرب‌زده: هم‌جهت با فعالیت‌های اغلب مغرضانه خاورشناسان، گروهی از روشنفکران مسلمان نیز، آگاهانه یا ناآگاهانه، نقش پیاده‌نظام تمدن غربی را در جوامع مسلمان ایفا کردند. حاکمان کشورهای اسلامی، تقریباً از نیمه سده نوزدهم میلادی به بعد و هم‌زمان با بازه زمانی مورد نظر این پژوهش، هیئت‌هایی از دانشجویان را به برخی کشورهای غربی اعزام کردند.

هدف اصلی این کار، تربیت نیروهای متخصص در رشته‌های صنعتی و به‌ویژه امور نظامی بود تا از طریق آنان گام‌هایی در راه اصلاح و بهبود اوضاع کشورهای خود به‌ویژه در بعد نظامی بردارند؛ اما این عده علاوه بر انتقال دانش و تخصص غربی، کوله‌باری از سیاست، فرهنگ، آداب و اندیشه آنان را همراه با احساس شگفتی نسبت به تمدن و فرهنگ غرب به همراه آوردند (شریف، ۱۹۸۲م، ۳۹). به این سخن توجه کنید:

این قبیل هیئت‌ها که غالباً به فرانسه گسیل می‌شدند، کتاب‌های روشنفکران فرانسوی را می‌خواندند و زندگی مردم فرانسه را از نزدیک مشاهده می‌کردند. همین نسل از دانشجویان در سال‌های بعد جایگاه‌های رهبری جامعه را در کشورهای خود عهده‌دار شدند (محتسب، ۱۳۹۳ق، ۹). فرایند اثرگذاری این گروه پیاده‌نظام نیز همانند خاورشناسان تحلیل می‌شود؛ چه، اقدامات فکری و عملی آنان در جهت تخریب ارزش‌های دینی، غالباً با واکنش سنجیده و روزآمد مصلحان مسلمان مواجه و اتفاقات مبارکی را در ساحت دفاع از دین و فهم سازگاران آن فراهم آورد.

۳-۵. تأثیرپذیری نواندیشان مسلمان از جنبش اصلاح دینی در اروپا

جنبش اصلاح دینی در اروپا حرکتی اصلاحی بود که بیش از همه صبغه مذهبی داشت. آغازکننده این حرکت را مارتین لوتر کشیش آلمانی می‌دانند (دورانت، ۱۳۷۸ش، ۳۶۰۱). این حرکت اصلاحی از اواخر قرن هفدهم میلادی در اروپای غربی آغاز شد و در سده هجدهم به اوج خود رسید. مورخان نام دوره‌ای را که از جمله معاصر با این حرکت اصلاحی بود «عصر روشنگری» گذارده‌اند. نقطه آغاز این حرکت، اعتراض گروهی از کشیشان کاتولیک به عقاید حاکم بر کلیسا بود. این حرکت در ادامه، با تلاش‌های فیلسوفان شکاک اروپایی و حملات گسترده بر کلیسای کاتولیک ادامه یافت. این شکاکان خواستار آن بودند که همه دعای مذهبی بر مبنای «عقل و تجربه» به دقت بررسی شود. بر این مبنای، حتی معجزات و خوارق عادات منسوب به پیامبران را نیز زیر سؤال بردند (دال، ۱۳۸۱ش، ۵۰-۵۳). این دسته از فیلسوفان شکاک تمامی نابسامانی‌های اجتماعی را نتیجه اقدامات نادرست و عقاید خرافی حاکم بر کلیسای کاتولیک می‌دانستند و بر این پایه، هیچ چیز را مهم‌تر از اصلاح مذهبی نمی‌دیدند (همان، ۴۹-۵۰). پیتر گی ذهنیت فیلسوفان نسبت به عقاید مسیحیت کاتولیک را به خوبی بیان کرده است: «به نوشته فیلسوفان، مسیحیت یک بیماری مسری مقدس، یک مالیخولیا و میکروبی است که هر چند گاه غیرفعال می‌شود، اما همیشه خطرناک است. مسیحیت همواره یک منبع بالقوه برای رواج تحجر و ستمگری است.» (همان) مشغله اصلی فیلسوفان غربی آن بود که عقل و علم به‌تنهایی به



کشف حقیقت راه می‌برند و از همین‌رو می‌کوشیدند تا با حملات پیاپی و گسترده به کلیسا، جامعه را از بیماری مذهب سازمان‌یافته برهانند. این معترضان که بعدها به «پروتستان‌ها» نامور شدند انواع جدیدی از دین مسیحیت را بر اساس کتاب مقدس و تعالیم عیسی مسیح بنیان گذاردند که با تعالیم کلیسای کاتولیک و نیز با یکدیگر از نظر اعتقادات و اعمال دینی تفاوت داشت. نکته مهم در این باره آن بود که آنچه به‌عنوان حرکتی مذهبی آغاز شده بود، تأثیرات قابل توجه سیاسی و اجتماعی به همراه داشت (فلاورز، ۱۳۸۱ ش، ۱۱).

اولین آشنایی مسلمانان با اندیشه‌های عصر روشنگری اروپا به اوایل سده نوزدهم میلادی باز می‌گردد. پیشتر گذشت که در این زمان، هیئت‌های آموزشی متشکل از دانشجویان مسلمان به برخی کشورهای اروپایی اعزام شدند. این طیف تحصیل‌کرده علاوه بر آموختن فن و صنعت در اروپا، آثار متفکران و فیلسوفان اروپایی را نیز مطالعه و بعدها برخی از آن‌ها را ترجمه کردند (عنایت، ۱۳۷۰ ش، ۱۲۹). به‌علاوه، برخی مصلحان مسلمان همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده، طی سفرهای خود به اروپا با این آثار آشنا شدند. بسیاری از صاحب‌نظران به تأثیرپذیری ایشان از جنبش اصلاح دینی در اروپا اشاره و حتی آن را تحسین کرده‌اند (همو، ۱۳۷۰ ش، ۱۳۰ و ۱۴۷؛ همو، ۱۳۵۲ ش، ۱۲؛ خرماهی، ۱۳۶۲ ش، ۱۷ و ۵۹).

اما دلیل روی آوردن گسترده اندیشمندان مسلمان به آثار متفکران اروپایی و تأثیرپذیری از اندیشه‌های آنان چه بود؟ حمید عنایت در این باره گوید:

اصلاحگران و روشنفکران دیندار در مقایسه اسلام با مسیحیت، از اینکه مسیحیت را زاینده تمدنی بزرگ و اسلام را با آن تمدن عظیم و اعجاز فرهنگ آفرینش در حال انحطاط می‌دیدند، دچار حیرت و غیرت می‌شدند؛ چراکه مسیحیت را صلح‌طلب و بی‌اعتنا به دنیا و آکنده از اخلاقیات منفی و اسلام را دینی مبارز و معتقد به اصلاح و عمران و طرفدار عقل و علم می‌دانستند و چون در مقام مقایسه و تفحص بر می‌آمدند، نهضت یا بلکه انقلاب مداوم اصلاح دینی (رفورماسیون) پروتستان را که شعار عمده‌اش بازگشت به کتاب مقدس بود از مهم‌ترین عوامل تحول تمدن غرب می‌یافتند (عنایت، ۱۳۵۲ ش، ۱۷). به‌راستی نیز چنین بود. نواندیشان مسلمان همگی چنین بودند و همواره پاسخی برای این پرسش جست‌وجو می‌کردند که اگر اسلام منشأ تمدنی عظیم بوده، چرا پیروان آن در حال حاضر به این انحطاط دچار شده‌اند؟ عنایت در توصیف فعالیت‌های فکری سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده در مصر آورده است:

متفکر دیگر اروپایی که بر او [عبده] تأثیر کرد فرانسوا پیر گیوم گیزو بود. معروف‌ترین کتاب او به نام تاریخ تمدن اروپا در سال ۱۸۷۷ [میلادی] به عربی ترجمه و در اسکندریه منتشر شد. سیدجمال و عبده هر دو مطالب آن را از این جهت سودمند یافتند که می‌توانستند به پاره‌ای از عوامل مذهبی و اجتماعی پیشرفت اروپاییان و به قیاس با آن، به علل و ماندگی مسلمانان بهتر پی ببرند (همان، ۱۲۹). توجه به همانندی‌های موجود میان نهضت دینی اروپا و حرکت و خیزش متفکران مسلمان نیز تأکید دیگری بر این اثرپذیری است. سیدجمال‌الدین اسدآبادی در رساله نیچریه خود، ۱ شرط‌های سه‌گانه اساسی برای تکامل و سعادت امت‌ها را چنین برمی‌شمرد: «۱. ضرورت پاک بودن اندیشه‌ها از خرافات؛ ۲. ضرورت بزرگداشت شخصیت انسان تا آنکه هر کس خود را به جز رتبه نبوت که رتبه الهی است سزاوار همه پایه‌ها و رتبه‌های افراد انسانی بداند.» (برای تفصیل بیشتر نک: اسدآبادی، ۱۳۵۸ ش، ۲۸-۳۵) اسدآبادی در توضیح شرط دوم عبارتی بیان کرده که آشکارا حاکی از نگاه او به نهضت دینی اروپا و پیشوای آن مارتین لوتر است:

تا هنگامی که اروپاییان به پیروی از تعالیم کاتولیک‌ها شخصیت انسان را قدر نمی‌نهادند و کشیشان را میانجی عبادات او به درگاه الهی می‌کردند، هیچ‌گونه ترقیاتی برای آن امت حاصل نشد؛ ولی لوتر رئیس پروتستان این حکم را برخلاف انجیل رفع نموده و به مسلمانان اقتدا کرده است (اسدآبادی، ۱۳۵۸ ش، ۲۸).

او شرط سوم را نیز چنین بیان می‌کند: «۳. ضرورت استوار کردن ایمان دینی بر پایه عقل و دلیل و پرهیز از عقاید تقلیدی... یکی از اعظم اسباب تمدن اروپا این بود که طایفه‌ای ظهور کرده گفتند: اگرچه دیانت ما عیسویه است، ما را رسد که براهین اصول عقاید خود را جویا شویم.» (همان) این شرط‌ها تقریباً همان چیزهایی است که به‌عنوان اصول اساسی نهضت اصلاح دینی در اروپا شناخته می‌شود و عبارت است از: خردگرایی و دخالت بیش از پیش عقل در سنجش افکار دینی، بازگشت به سرچشمه‌های نخستین دین و تلاش در همسوسازی دین و زندگی (هاشمی، ۱۳۷۵ ش، ۳۵). در تحلیل اثرپذیری تفسیرنگاری معاصر از این رخداد مهم فکری و فرهنگی می‌توان گفت، تغییر نگاه متفکران مسلمان به کتاب مقدس خود یعنی قرآن و ضرورت تفسیر و تبیین دوباره آن، تا حدود زیادی متأثر از اندیشه نواندیشان اروپایی جنبش پروتستان و اصول مورد اشاره ایشان بود. مارتین لوتر اصول اساسی تفسیر کتاب مقدس را چنین برمی‌شمرد:

۱. سید جمال این رساله را طی دوران اقامت در هند و در مبارزه با جریان روبه‌ازدیاد دهری‌گری در آن سرزمین نوشت. برخی آن را منبع اصلی و الهام‌بخش حرکت خیزش در سرزمین‌های اسلامی دانسته‌اند (عنایت، ۱۳۵۲ ش، ۹۷؛ شریف، ۱۹۸۲ م، ۴۹).



۱. بازگشت به متن کتاب مقدس و تکیه بر آن و نادیده گرفتن دیدگاه شارحان و مفسران و روایاتی که در تفسیر متن وارد شده است؛
۲. نگرش جامع به مطالب کتاب مقدس و جزء نگر نبودن در آن؛
۳. توجه به اینکه کتاب مقدس خود مفسر خویش است و این نوع تفسیر از استوارترین گونه‌های تفسیر شمرده می‌شود؛
۴. اینکه هر شخصی می‌تواند رأی خود را در مفهوم کلمات کتاب مقدس ابراز کند و تفسیر کتاب مقدس ویژه گروه و جمع خاصی نیست (هاشمی، ۱۳۷۵، ش، ۳۵-۳۶؛ نیز نک: عنایت، ۱۳۵۲، ش، ۹۷).
جوهره اصلی حرکت تفسیری جدید در میان مفسران مسلمان را می‌توان در این اصول مشاهده کرد. کسانی چون اسدآبادی و عبده با مطالعه آثار متفکران اروپایی و مشاهده اوضاع اجتماعی و سیاسی غربیان از نزدیک، به سراغ قرآن آمدند و کوشیدند با نگاهی دیگر به آن، طرحی نو دراندازند. آن‌ها نوعاً تفسیری نوشتند که از جنبه‌های گوناگون با آثار تفسیری گذشته متفاوت بود. عمده‌ترین نوآوری‌های ایشان در تفسیر به پاره‌ای ویژگی‌ها باز می‌گردد که اهم آن‌ها در ویژگی‌های زیر خلاصه شده است:

 ۱. بایستگی مراجعه به منابع نخستین اسلام و اعتماد نکردن به نقل اقوال دیگران؛
 ۲. توجه به وحدت موضوعی کل قرآن و وحدت موضوعی سوره‌ها و آیات و اهمیت سیاق در تفسیر قرآن؛
 ۳. کاهش ارزش تفسیر روایی و رویکرد بیش‌ازپیش مفسران به تفسیر قرآن به قرآن؛
 ۴. عقیده به باز بودن باب اجتهاد و حق اظهارنظر دانشمندان هر عصر درباره قوانین و معارف شریعت، برابر نیازهای آن زمان (هاشمی، ۱۳۷۵، ش، ۳۵-۳۶؛ همچنین برای تفصیل بیشتر نک: ناظمی، ۱۳۸۸، ش، سراسر مقاله).

حاصل آنکه نهضت اصلاح دینی در اروپا را که از مهم‌ترین ویژگی‌هایش توجه دوباره به کتاب مقدس و تفسیر آن با نگاهی جدید بود می‌توان از عواملی دانست که هم‌زمان با شماری دیگر از تحولات فکری و اجتماعی، در جهت‌دهی به فرایند تفسیرنگاری معاصر و از جمله پیدایش گرایش‌های جدید تفسیری اثرگذار بود (مراد، ۱۳۶۲، ش، ۳۹).

۴-۵. نقش آفرینی قرآن در نهضت اصلاح دینی معاصر در جهان اسلام

تاریخ تفسیر قرآن در ۱۵۰ سال اخیر، با نهضت‌های اجتماعی، به‌ویژه نهضت اصلاح دینی که چون رستاخیزی فکری سراسر سرزمین‌های اسلامی را درنوردید، در هم تنیده است و بدون اشاره به

این نهضت، نمی‌توان آن را در چارچوب تاریخی‌اش ملاحظه کرد. از این رو به صورت گذرا، نهضت اصلاح دینی در جهان اسلام را معرفی و تأثیر آن را بر جریان تفسیرنگاری معاصر بررسی می‌کنیم. نهضت اصلاح دینی جنبشی بود که در پایان قرن نوزدهم میلادی، تقریباً در تمامی کشورهای اسلامی روی داد و دامنه آن تا زمان‌های اخیر نیز کشیده شد (مراد، ۱۳۶۲ ش، ۳۷؛ عنایت، ۱۳۷۰ ش، ۹). بنیانگذار این جنبش و تأثیرگذارترین مصلح مسلمان را سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۳۹-۱۸۹۷ م) دانسته‌اند. پرثمرترین دوران زندگی اسدآبادی به لحاظ تأثیرگذاری بر نهضت اصلاح دینی، دوران اقامت هشت‌ساله او در مصر بود. اندیشه‌های نوگرایانه او موجب شد تا بسیاری از نوخواهان مصری گردش را بگیرند و مرید وی و مروج افکارش گردند. از جمله مشهورترین این شاگردان، شیخ محمد عبده بود که خود از ارکان اصلاح طلبی در جهان عرب شمرده می‌شد. اندیشه‌های اصلاحی سیدجمال پس از تبعید او از مصر، از سوی مریدانش پی گرفته شد و منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی و سیاسی بعدی در جامعه مصر گشت.

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری نهضت اصلاحی مسلمانان در دوران معاصر را چنین برشمرده‌اند: مواجهه با فرهنگ غرب، بحران‌های درونی کشورهای اسلامی و بی‌کفایتی حاکمان، واکنش مسلمانان به تعرض سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب و شرایط و ضرورت‌های اجتماعی جدید (خرمشاهی، ۱۳۶۲ ش، ۱۵؛ عنایت، ۱۳۷۰ ش، ۱۵). ارکان عمده و ویژگی‌های اساسی نهضت اصلاح دینی نیز غالباً همان‌هایی است که اسدآبادی در رساله نیچریه بر آن‌ها تأکید کرده است: ۱. تأکید بر همبستگی دین و سیاست؛ ۲. ضرورت بازگشت به منابع اصیل فکر دینی به‌ویژه قرآن و احیای توانمندی‌های دیرینه و از یادرفته اسلام؛ ۳. پیکار با اندیشه‌های خرافی؛ ۴. تفسیر عقلی تعالیم اسلام و فراخواندن مسلمانان به تعقل در امور دینی؛ ۵. دعوت مسلمانان به فراگیری علوم نو و در عین حال برحذر داشتن آنان از شیفتگی به دانش‌ها و اندیشه‌های امروزی و گرفتار شدن در مادی‌گری؛ ۶. مبارزه با استعمار و استبداد به‌عنوان نخستین گام در راه رستاخیز اجتماعی و فکری مسلمانان؛ ۷. اعتقاد به توانایی ذاتی دین اسلام برای رهبری مسلمانان و تأمین نیرومندی و پیشرفت آنان (اسدآبادی، ۱۳۵۸ ش، ۲۸-۳۵؛ عنایت، ۱۳۷۰ ش، ۹۷ و ۱۱۳. نیز نک: حکیمی، ۱۳۸۲ ش، ۶۸؛ خرمشاهی، ۱۳۶۲ ش، ۱۵).

در عنوان پیشین، به مشابهت پاره‌ای از ویژگی‌های یادشده با نهضت اصلاح دینی اروپا اشاره کردیم. اهداف موردنظر مصلحان مسلمان در راستای ارکان نهضت اصلاح شکل می‌گرفت و از این رو



با آن‌ها شباهت بسیار داشت. مهم‌ترین خواسته‌های مصلحان عبارت بود از: ۱. ایجاد اصلاح در ساختار اندیشه اجتماعی و فکری مسلمانان؛ ۲. مبارزه با روحیه ناامیدی در مسلمانان و تلاش برای زدودن این توهم که زمان رهایی مسلمانان گذشته است؛ ۳. مبارزه با سنن و اندیشه‌های نامعقول و زیان‌آور و خرافی در افکار مسلمانان؛ ۴. یگانگی ملت‌های مسلمان در برابر خطر تسلط سیاسی و فرهنگی غرب؛ ۵. هماهنگ کردن رهنمودهای دین با موازین عقل و مقتضیات جهان نو؛ ۶. بازگرداندن اسلام به شیوه پاک سلف (عنایت، ۱۳۷۰ ش، ۹۴-۹۹).

چنان‌که گذشت، از ارکان جنبش اصلاح دینی نزد نواندیشان مسلمان، بازگشت به سرچشمه‌های اصیل دین و در درجه نخست، بازگشت به قرآن بود؛ تا آنجا که یکی از پژوهشگران معاصر تمامی مصلحان از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تا امام خمینی را وامدار و چنگ‌زننده به قرآن دانسته است. به عقیده او، مصلحان معاصر همواره از اهمیت سلسله‌جنبانی و شورانگیزی و دگرگون‌سازی قرآن، به هر زبانی سخن می‌گفتند. به گفته او: «اعتنای عامه و خاصه و به‌ویژه روشنفکران دینی و رهبران اصلاح به قرآن چندان وسیع و عمیق است که شاید بتوان آن را کشف مجدد قرآن نامید.» (همان) در این جهت، اسدآبادی از نخستین کسانی بود که شعار بازگشت به قرآن را به گونه‌ای صحیح و در سطح عموم افراد جامعه عملی کرد. از جمله مهم‌ترین اسباب توفیق او در مصر را باید روش جدید در نگاه به قرآن و برداشت از آن دانست (همان، ۹۷). در این‌باره گفته‌اند:

نقطه آغاز نوگرایی در تفسیر قرآن، اقامت هشت‌ساله افغانی در مصر بود... دعوت او اثر چشمگیری در جهت‌دهی به تفسیر قرآن داشت... آنچه او را در همه این تلاش‌ها همراهی می‌کرد ایمان عمیق و درک گسترده نسبت به حکمت این آیه بود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». (رعد: ۱۱) (شریف، ۱۹۸۲ م، ۴۹؛ نیز نک: ابن‌عاشور، ۱۹۹۸ م، ص ۱۵۷؛ شرفاوی، ۱۹۷۲ م، ۸۶ و ۸۷)

همچنین حرکت تفسیری اسدآبادی در مصر را به بذری تشبیه کرده‌اند که پس از او، با تلاش‌های شاگردانش به بار نشست و مکتب نوینی را در تفسیرنگاری پدید آورد: این بذر به سرعت در جان شاگردان و مریدان سیدجمال بارور شد؛ چون دیری نپایید که رساله نیچریه او را به‌عنوان دستورالعملی برای حرکت دینی‌اصلاحی خود برگزیدند. پژوهش‌های دینی و قرآنی مکتب المنار و از جمله آثار شیخ محمد عبده همگی در قالب این حرکت بود. این متفکران

با تلاش‌های اصلاح‌گرانه خویش خدمتی شایان توجه به فرهنگ اسلامی و مسلمانان امروزی کردند و هویت اجتماعی آیات قرآن در حیات مسلمانان را به آنان بازگردانیدند. آنان در کشتزار تفسیر قرآن بذرهایی گوناگون افکندند که پس از ایشان، شاگردانی برگزیده عهده‌دار پرورش آن‌ها در راستای حرکت نوگرایی در تفسیر شدند. این روند تا بدان‌جا ادامه یافت که به دست آن‌ها گرایش‌های جدیدی در تفسیر قرآن در مصر پدیدار شد. (شریف، ۱۹۸۲م، ۴۹-۵۰؛ نیز نک: شرفاوی، ۱۹۷۲م، ۹۱)

از آنچه گذشت نتیجه می‌شود که از مهم‌ترین دستاوردهای نهضت اصلاح دینی در حوزه تفسیرنگاری، پدید آمدن گرایش‌های جدید تفسیری متناسب با شرایط و مقتضیات جدید بود. شاخص‌ترین این گرایش‌ها «تفسیر اجتماعی» است. چنان‌که در آغاز مقاله گذشت، نامیدن آن به «اجتماعی» از آن روی بود که برداشت‌های تفسیری مفسران نواندیش از قرآن، در جست‌وجوی پاسخ به نیازها و اصلاح امور جامعه بود و رنگ اجتماعی داشت (هاشمی، ۱۳۷۵ش، ۳۶-۳۹).

۵-۵. شخصیت اجتماعی مفسران معاصر

هر اثر علمی علاوه بر نشان دادن میزان تخصص نویسنده در موضوع آن علم، ابعاد حیات و شخصیت او را نیز منعکس می‌کند. این مطلب درباره گرایش‌های گوناگون تفسیری نیز صادق است؛ به این معنا که پس از مطالعه و بررسی مجموعه‌ای از مطالب متنوع موجود در یک تفسیر، می‌توان درباره جنبه‌هایی از شخصیت مفسر سخن گفت. برای مثال، تفسیری با گرایش کلامی حکایت‌کننده تبحر مفسر در ابعاد گوناگون مباحث عقیدتی است و یک تفسیر فقهی نشان می‌دهد که مفسر تا چه میزان بر مباحث اصلی و فرعی فقه اسلامی اشراف دارد. همین قضاوت را می‌توان بر تفاسیری که صبغه کلامی، روایی یا جز آن دارند، جاری کرد. به بیان دیگر می‌توان گفت که شخصیت فقهی، کلامی یا روایی مفسران در پیدایش انواع گرایش‌های فقهی، کلامی یا اثری مؤثر بوده است.

مطلب فوق درباره تفاسیری با گرایش اجتماعی نیز صادق است. اگر تفسیری گرایش اجتماعی داشته باشد، به این معنا که معضلات جامعه به گستردگی در آن مطرح و آیات اجتماعی با عنایت ویژه‌ای تفسیر شود و ارائه راه‌حل برای بهبود شرایط عمومی جامعه در آن نمود خاصی داشته باشد، نشانه روشنی بر شخصیت اجتماعی مفسر آن است. برخورداری از «شخصیت اجتماعی» هم به این معناست که مفسر با جامعه خود ارتباطی نزدیک دارد، نابسامانی‌های آن را به خوبی می‌شناسد، از مشاهده آشفتگی‌های حاکم بر آن رنجیده می‌شود و همواره به درمان این آشفتگی‌ها و به سامان کردن اوضاع می‌اندیشد؛ به علاوه، او مسلمان است و معتقداتی استوار دارد؛ از جمله اینکه دین



اسلام را برای تأمین سعادت هر دو جهانی انسان‌ها کارآمد می‌بیند و با اعتقاد به منشأ و حیانی برای قرآن کریم، آن را قانون اساسی دین خاتم می‌شمارد؛ بنابراین همواره در تلاش است تا در مان مشکلات جامعه را از آموزه‌های دینی بجوید. مفسر اجتماعی با این نگاه و انگیزه به سراغ قرآن می‌رود و بنا بر همین دلایل، «گرایش اجتماعی» بر تفسیر او غلبه می‌یابد (نک: عنایت، ۱۳۷۰ش، ۸۵-۸۶؛ خرمشاهی، ۱۳۶۲ش، ۵۵-۶۴).

تحلیل بالا در فرایند تفسیرنگاری معاصر مصداق‌های بیرونی زیادی دارد. غالب کسانی که در این دوره به گونه‌ای تفسیر گفته یا نوشته‌اند، با شدت و ضعف، در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز سهیم بوده‌اند؛ به این معنا که از پیشگامان و داعیه‌داران اصلاحات دینی بوده و یا در سطحی فروتر، در شمار فعالان اجتماعی قرار داشته‌اند. نمونه‌هایی از این مفسران عبارتند از:

سید جمال‌الدین اسدآبادی که پیشتر درباره‌ی شخصیت او و تأثیرگذاری‌اش در اصلاح‌طلبی نوین اسلامی و جایگاه قرآن در سامانه‌ی فکری او سخن گفتیم و آوریدم که همواره دغدغه تحول‌آفرینی در شیوه تفسیرنگاری را در سر داشت. نموده‌های این دغدغه را می‌توان در بسیاری از مقالات او در مجله العروة الوثقی مشاهده کرد (افغانی، ۱۴۲۳ق، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۴۹، ۱۵۷ و...).

شیخ محمد عبده که نزدیک‌ترین شاگرد و مرید اسدآبادی و برجسته‌ترین شخصیت اصلاح طلب در کشور مصر شمرده می‌شد. عبده مدتی منصب قضاوت داشت و زمانی نیز به‌عنوان رئیس دانشگاه الازهر و مفتی مصر منصوب شد. وی مؤثرترین روش برای اصلاحات اجتماعی را تربیت دینی مسلمانان می‌دانست؛ به همین جهت اقدام به تشکیل درس تفسیر در الازهر نمود. همین جلسات بود که بعدها هسته اولیه پیدایش تفسیر المنار شد. این تفسیر را تأثیرگذارترین تفسیر در دوران معاصر دانسته‌اند که نقش قابل توجهی در جهت‌دهی به فعالیت‌های تفسیری پس از خود داشت (خرمشاهی، ۱۳۶۲ش، ۷۵-۹۰).

سید محمد رشید رضا سرشناس‌ترین و نزدیک‌ترین شاگرد شیخ محمد عبده که با اصرار فراوان، استادش را به برگزاری جلسات درس تفسیر قرآن متقاعد کرد. رشید رضا پس از اتمام هر جلسه تفسیری، مطالب آن را بازنویسی می‌کرد و در اختیار استاد قرار می‌داد؛ آنگاه پس از بازنگری عبده و با جلب رضایت او، آن‌ها را مجله المنار چاپ می‌کرد. پس از وفات عبده، رشید رضا کار نگارش تفسیر را پی گرفت و تا پایان عمر خود آن را ادامه داد. از بارزترین نموده‌های شخصیت اجتماعی وی اشتغالش به روزنامه‌نگاری بود. انتشار مجله المنار را عمل بنیادین رشید رضا در طول دوران حیاتش دانسته‌اند (متولی، ۱۴۲۵ق، ۸۵). سخن رشید رضا در اولین شماره مجله المنار، علاوه بر نمایاندن اهداف انتشار

این مجله، شخصیت اصلاحی و اجتماعی او را نیز به‌خوبی نمایان می‌کند:

این مجله صدای فریادی به زبان عربی گویا و رساست و ندای حقی است که گوش عرب‌زبانان و همه شرقیان را تکان می‌دهد و می‌گوید: ای انسان شرقی که در خواب غوطه‌ور شده‌ای و از لذت خواب‌های خوش خود خرسندی، خواب و غفلت بس است. تو با این خواب سنگین، حد‌راحت‌طلبی و خوشی را گذرانده‌ای (همان).

سید قطب از دیگر پیشگامان اصلاح و مبارزه بر ضد استعمار در تاریخ معاصر مصر که مدتی رهبری جنبش اخوان المسلمین را بر عهده داشت. روحیه انقلابی و شورآفرین او به‌خوبی در تفسیر فی ظلال القرآن دیده می‌شود. جالب توجه آنکه قطب بخش زیادی از این تفسیر را در زندان حکومت مصر نگاشت. تفسیر او را به جهت «روش حرکتی»^۱ آن از تفاسیر یگانه دوره معاصر دانسته‌اند که گروهی از مفسران پس از خود را تحت تأثیر قرار داد (ایازی، ۱۳۷۵ ش، ۵۲۳؛ برای تفصیل بیشتر نک: خالدی، ۱۴۲۳ ق، ۴۳۷-۴۷۳). از دیگر جلوه‌های بارز شخصیت اجتماعی سید قطب همکاری گسترده با برخی از روزنامه‌های مصر است (همان، ۹۶). او علاوه بر همکاری در نوشتن انواع مقاله‌های سیاسی و اجتماعی و ادبی، مسئولیت اداره دو روزنامه العالم العربی و الفکر الجدید را نیز بر عهده داشت (همان، ۱۰۳).

سید محمود طالقانی از شخصیت‌های برجسته مبارز و انقلابی تاریخ معاصر ایران که نقش چشمگیری در پیشبرد مبارزات و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران داشت. طالقانی بارها به سبب اقدامات انقلابی و مبارزاتی علیه رژیم سلطنتی ایران به زندان افتاد یا تبعید شد (ایازی، ۱۳۷۵ ش، ۱۹۲). از دغدغه‌های اساسی او در طول دوران مبارزه، تلاش برای احیای جایگاه قرآن در زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. به گفته برخی:

مرحوم آیت‌الله طالقانی در طول چهل سال (از ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۸) که بازگشت به قرآن را مرکز و محور حرکت و وجهه همت و عالی‌ترین هدف مبارزه علمی و اجتماعی خود قرار داده بود، حدیث درد و مهجوری قرآن را به تأکید و تکرار بیان کرده است... (خرمشاهی، ۱۳۶۲ ش، ۳۸).

اثر تفسیری او تفسیر ناتمام پرتوی از قرآن است. طالقانی بنا بر همان دغدغه اصلی و با هدف وارد کردن هرچه بیشتر قرآن در عینیت جامعه و مانوس کردن بیشتر مردم با قرآن، در جای جای

۱. المنهج الحركي.



تفسیر، مباحث اجتماعی را مطرح و راه حل آن‌ها را از قرآن جست‌وجو می‌کند. محمد جواد مغنیه از عالمان برجسته و کوشای لبنانی که آثار سودمند بسیاری را در دفاع از کیان اسلام و معرفی جوانب گوناگون آن نگاشت. مغنیه دو اثر تفسیری پدید آورد: تفسیر الکاشف و التفسیر المبین. دومین آن‌ها کتابی موجز و یک‌جلدی است؛ اما تفسیر الکاشف که تفسیری کامل و در عین حال مختصر است در هفت جلد نگاشته شده است. مغنیه در مقدمه تفسیر، هدف اصلی از نگارش آن را پاسخ‌گویی به نیاز مسلمانان برای فهم آسان‌تر قرآن یاد می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ۱۳). او برای تحقق این هدف، بیش از همه به تفسیر خود وجهه هدایتی و تربیتی داده و کوشیده است با لحاظ نیازها و خواسته‌های عصر، کلام الهی را تبیین کند (ایازی، ۱۳۷۵ش، ۵۶۹؛ معرفت، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ۴۷۷).

سید محمدحسین فضل‌الله از دیگر عالمان و مفسران برجسته لبنان که پس از به پایان بردن تحصیلات در نجف اشرف و اقامت سی‌ساله در آن، به کشورش بازگشت و تا زمان وفات، به فعالیت‌های گوناگون علمی و دینی اشتغال داشت. اثر تفسیری او با نام من وحی القرآن یکی از مفیدترین و روزآمدترین تفاسیر نوشته‌شده در دوران معاصر است که صبغه اجتماعی، تربیتی و هدایتی آن بر جوانب دیگرش غلبه آشکاری دارد. فضل‌الله در مقدمه تفسیر تصریح می‌کند: قصد ما آن نیست که در برابر مجموعه‌ای عظیم از تفاسیر پدیدآمده که هریک به گونه‌ای، جوانب مختلف لغوی و بلاغی و فلسفی قرآن را کاویده است تفسیر جدیدی عرضه کنیم. این اثر در ابتدا یک تلاش تفسیری جدید شمرده نمی‌شد؛ بلکه مجموعه‌ای از درس‌گفتارهای قرآنی بود که برای گروهی از دانشجویان ارائه می‌گشت و هدف آن ایجاد آگاهی قرآنی در ایشان بود... (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ۲۴-۲۵)

آنچه در این بخش گذشت، شواهدی برای اثبات این ادعا بود که می‌توان شخصیت اجتماعی مفسران معاصر را نیز از زمینه‌های تحول در تفسیرنگاری و پیدایش گرایش اجتماعی در تفاسیر قرن اخیر دانست. هدف از معرفی مختصر مفسران یادشده هم نشان دادن جلوه‌های بیرونی و خارجی شخصیت اجتماعی ایشان بود.^۱

۱. از دیگر مفسران معاصر که شخصیت اجتماعی بارزی داشته‌اند می‌توانیم به این نام‌ها اشاره کنیم: سعید حوی نویسنده تفسیر الأساس فی التفسیر، ناصر مکارم شیرازی که تفسیر نمونه به اشرف ایشان تدوین شده است، احمد مصطفی مراغی و محمود مصطفی مراغی، وهبه زحیلی نویسنده تفسیر المنیر، محمد متولی شعراوی نویسنده تفسیر شعراوی، سید محمدحسین طباطبایی نویسنده تفسیر المیزان و ابوالاعلی مودودی نویسنده تفسیر تفهیم القرآن.

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ پسینی زمینه‌های بروز تحول در تفسیرنگاری معاصر، به‌ویژه پیدایش گرایش اجتماعی، با رویکرد هم‌زمانی نشان داد که بازهٔ زمانی موردنظر، یعنی اواخر سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم میلادی، مقارن با زنجیره‌ای از رخداد‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فکری است که از جملهٔ برون‌دادهایش، بروز شماری از گرایش‌های نوین تفسیری است. در جای خود آمد که مطالعهٔ هم‌زمانی، یک پدیدهٔ تاریخی و در اینجا تحولات تفسیرنگاری معاصر را نه در فاصلهٔ پیش و پس از یک زمان، که در برشی ویژه و تعیین‌کننده پایش می‌کند و این برش تعیین‌کننده در موضوع این مقاله، همان اواخر سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم میلادی است؛ به سخن دیگر، این برههٔ حساس از تاریخ معاصر آبستن تحولاتی شگرف در ابعاد گوناگون جوامع مسلمان است و ما تنها بخشی از بعد مرتبط با تفاسیر را بررسی کردیم. در نتیجهٔ این بررسی به دست آمد که هم‌زمان با زمینه‌هایی مانند ناکارآمدی تفسیرنگاری سنتی در پاسخ‌گویی به مقتضیات جدید، هجوم چندجانبه به اسلام و ارزش‌های دینی، تأثیرپذیری نواندیشان مسلمان از جنبش اصلاح دینی در اروپا، نقش‌آفرینی قرآن در نهضت اصلاح دینی معاصر در جهان اسلام و شخصیت اجتماعی مفسران معاصر و در بستر فراهم‌آمده از سوی این زمینه‌ها، تفسیرنگاری و قرآن‌فهمی دگرگون می‌شود و از جمله، نگاه اجتماعی به قرآن و تلاش برای نقش‌آفرینی هرچه بیشتر آن رخ می‌نماید.

کتاب نامه

فارسی

- اسدآبادی، سیدجمال الدین (۱۳۵۸ش)، *نیچریه یا ناتورالیسم*، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۹ش)، *مکاتب تفسیری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷ش)، *روش شناسی تاریخ*، به کوشش صالح زارعی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم.
- تقدیسی، محمدمهدی (۱۳۹۲ش)، *معناشناسی واژه دین در قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- دال، جان ام (۱۳۸۱ش)، *عصر روشنگری*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس، چاپ اول.
- حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۹۲ش)، *گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن کریم*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
- خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۶۲ش)، *تفسیر و تفاسیر جدید*، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه فریدون بدره‌ای و همکاران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش دوم، چاپ ششم.
- رضایی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *منطق تفسیر ۲ (درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن)*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲ش)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عنایت، حمید (۱۳۷۰ش)، *سنبری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران: امیرکبیر.
- ----- (۱۳۵۲ش)، *شش گفتار درباره دین و جامعه*، تهران: کتاب موج.
- فلاورز، سارا (۱۳۸۱ش)، *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، تهران: ققنوس، چاپ اول.
- مراد، آ. (۱۳۶۲ش)، *نهیضت بیدارگری در جهان اسلام*، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۸ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناظمی، روح اله و کاظم قاضی زاده (۱۳۸۸ش)، *مبانی و شاخصه های تفسیر اجتماعی قرآن کریم*، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره اول، ۵-۲۵.
- ناظمی، روح اله (۱۳۸۶ش)، *بررسی و تحلیل روش تفسیر اجتماعی*، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- نفیسی، شادی (۱۳۷۹ش)، *عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ----- (۱۳۹۸ش)، *تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ویلانت، رترواد (۱۳۸۳ش)، *جریان شناسی تفاسیر قرآن کریم در دوره معاصر*، ترجمه مهرداد عباسی، آینه پژوهش، شماره ۸۵، ۲-۱۷.
- هاشمی، سیدحسین (۱۳۷۵ش)، *بازتاب تفکر اصلاحی در تفاسیر جدید*، پژوهش های قرآنی، شماره ۷ و ۸، ص ۵۵-۳۰.

عربی

- ابن عاشور، محمد فاضل (۱۹۹۸-۱۹۹۹م)، *التفسير ورجاله*، تونس: دار سحنون للنشر والتوزيع.
- افغانی، سید جمال‌الدین و محمد عبده (۱۴۲۳ق)، *العروة الوثقی*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قاهره: مکتبه الشروق الدولية، چاپ اول.
- اندلسی غرناطی، ابوحنان (۱۹۸۳م)، *بیروت: دار الفکر*، چاپ دوم.
- ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۵ش)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۱ق)، *سید قطب، دمشق: دار القلم*.
- رشید رضا، محمد (بی تا)، *تفسیر القرآن الحکیم (الشہیر بتفسیر المنار)*، بیروت: دار المعرفة.
- شرقاوی، عفت محمد (۱۹۷۲م)، *اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحدیث*، قاهره: مطبعة الکیلانی.
- شریف، محمد ابراهیم (۱۹۸۲م)، *اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر*، قاهره: دار التراث.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دار العلم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا)، *التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی*، چاپ دوم.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
- قطب، سید (۱۴۰۰ق)، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، چاپ نهم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۵۲م)، *الجامع لأحكام القرآن*، به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، قاهره، ۱۹۷۲م.
- متولی، ثامر محمد محمود (۱۴۲۵ق)، *منهج الشيخ محمد رشيد رضا في العقيدة*، جده: دار ماجد عسیری، چاپ اول.
- محتسب، عبدالمجید عبدالسلام (۱۳۹۳ق)، *اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث*، بیروت: دار الفکر.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶ش)، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دار کتاب اسلامی.